

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم

The effectiveness of acceptance and commitment therapy on the psychological capital, distress, and family functioning of mothers of children with autism

Parastoo Sanatgarmahani

Department of Psychology, Faculty of Humanities,
Islamic Azad University of Yazd, Yazd, Iran.

Seyed Hamid Hosseini *

Department of Psychology, Faculty of Humanities,
Islamic Azad University of Yazd, Yazd, Iran.

Dr. Hojat Damiri *

Department of Psychology, Faculty of Humanities,
Islamic Azad University of Yazd, Yazd, Iran.

Hojatdamiri1366@gmail.com

پرستو صنعتگرماهانی

گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، یزد، ایران.

سید حمید حسینی

گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، یزد، ایران.
(نویسنده مسئول)

دکتر حجت دمیری

گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، یزد، ایران.

Abstract

The present study aimed to determine the effectiveness of acceptance and commitment therapy on psychological capital, hyperemotion, and family functioning of mothers of autistic children. The present study was a quasi-experimental study with a pretest-posttest design and a control group. The statistical population of the study included mothers of autistic children in Isfahan in 20 AH, from which 30 were selected using convenience sampling and randomly assigned to two groups (15 in the experimental group and 15 in the control group) as experimental and control groups. The measurement tools included the Lutens Psychological Capital Questionnaire (PCQ, 2004), the Mittmannsgraber et al. Metaemotional Scale (MEQ, 2009), and the Epstein Family Functioning Questionnaire (FFQ, 1983). The experimental group underwent an acceptance and commitment intervention for 8 sessions, 90 minutes each, once a week, and the control group did not receive any intervention. Multivariate analysis of covariance was used to analyze the data. The results of the analysis of covariance showed that by controlling for the effect of the pretest between the means of psychological capital, metaemotion, and family functioning in the experimental and control groups, there was a significant difference at the 0.05 level. From the above findings, it can be concluded that acceptance and commitment therapy is effective in improving psychological capital, metaemotion, and family functioning of mothers with autistic children.

Keywords: Acceptance and Commitment Therapy, Psychological Capital, Meta-Emotion, Family Functioning, Autism Spectrum.

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان اتیسم بود. پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل مادران کودکان اتیسم در سال ۱۴۰۳ شهر اصفهان بود که از بین آنها ۳۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در دو گروه (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل) آزمایش و گواه جایگذاری شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه‌ی سرمایه‌روانشناختی لوتنز (PCQ، ۲۰۰۴)، فراهیجان میتمنسگرابر و همکاران (MEQ، ۲۰۰۹)، و عملکرد خانواده اپشتاین (FFQ، ۱۹۸۳) بود. گروه آزمایش تحت مداخله پذیرش و تعهد طی ۸ جلسه، ۹۰ دقیقه‌ای هفته‌ای یکبار قرار گرفت و گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون بین میانگین پس‌آزمون سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده در گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود داشت. از یافته‌های فوق می‌توان که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در بهبود سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان اتیسم موثر است.

واژه‌های کلیدی: درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان، عملکرد خانواده، اختلالات طیف اتیسم.

مقدمه

اختلال طیف اتیسم^۱ به عنوان یکی از پیچیده‌ترین اختلالات تکوینی، نه تنها بر کودک مبتلا تأثیر می‌گذارد، بلکه تمامی اعضای خانواده، به‌ویژه مادران را با چالش‌های عمیق روانشناختی روبه‌رو می‌سازد (مائوقان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). مادران کودکان دارای اتیسم به دلیل مسئولیت‌های گسترده مراقبتی، مواجهه مستمر با رفتارهای چالش‌برانگیز فرزندشان، و فشارهای ناشی از عدم قطعیت در آینده، استرس و فشار روانی قابل‌توجهی را تجربه می‌کنند (قانونی و ایوس^۳، ۲۰۲۳). این وضعیت نه تنها بر سلامت روانی مادران تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه بر کیفیت زندگی خانوادگی، روابط زناشویی، و حتی کیفیت مراقبت از کودک تأثیرات مخربی دارد (هولمبرگ برگمن^۴ و همکاران، ۲۰۲۳).

در این میان، سرمایه‌های روانشناختی^۵ شامل امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی، نقش بنیادی در تطبیق موثر مادران با شرایط استرس‌زای مراقبت از کودک اتیسم ایفا می‌کنند (آل‌عید^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). این منابع درونی، توانایی مادران برای مقابله با چالش‌ها، حفظ انگیزه در مسیر طولانی درمان و مراقبت، و ایجاد چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده را تقویت می‌کنند (یوسف مورگان^۷، ۲۰۲۴). سرمایه‌های روانشناختی به‌عنوان عوامل محافظتی عمل کرده و فرآیند سازگاری مادران را تسهیل می‌کنند (سعادت سیدی و داستانی، ۱۴۰۲). مادران دارای سطح بالای خودکارآمدی، راهکارهای مؤثرتری برای مدیریت رفتارهای چالش‌برانگیز کودک اتیسم اتخاذ می‌کنند و در مواجهه با موانع درمانی پایداری بیشتری نشان می‌دهند (رشیدی^۸ و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، فشارهای مزمن ناشی از مراقبت از کودک اتیسم اغلب این سرمایه‌های حیاتی را تحلیل می‌برد و مادران را در معرض خطر فرسودگی و ناامیدی قرار می‌دهد (لُغمان^۹ و همکاران، ۲۰۲۵).

همزمان، فراهیجان^{۱۰} به عنوان آگاهی از مجموعه‌ای از هیجان‌ها یا احساس‌های فرد است که برای توصیف خود از آن‌ها استفاده می‌کنیم (باجاج^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳). در زمینه مراقبت از کودکان اتیسم اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. مادران این کودکان به دلیل مواجهه مکرر با حملات عصبانیت، رفتارهای خودآسیب‌رسان، و مقاومت در برقراری ارتباط، نیاز مبرمی به مهارت‌های پیشرفته فراهیجان دارند (بامداد و همکاران، ۱۴۰۳). فراهیجان شامل دو بُعد کلیدی است: آگاهی هیجانی و درک وضوح هیجانی. آگاهی هیجانی به توانایی تشخیص و شناسایی هیجان‌های خود در زمان واقعی اشاره دارد، درحالی‌که درک وضوح هیجانی به توانایی تمایز بین هیجان‌های مختلف و درک منشأ آن‌ها مربوط می‌شود (یائو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۴). این مهارت نه تنها باعث کاهش سطح استرس مادران می‌شود، بلکه کیفیت تعامل والد-کودک را نیز بهبود می‌بخشد و محیطی آرام‌تر برای رشد کودک فراهم می‌کند (نی^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۵). ضعف در این حوزه منجر به افزایش واکنش‌های عاطفی نامناسب، تشدید استرس خانوادگی، و کاهش اثربخشی مداخلات درمانی می‌شود (محمدي و قمرانی، ۱۴۰۳). عملکرد خانواده^{۱۴} نیز به عنوان شاخص جامع کیفیت تعاملات، ارتباطات، و سازگاری اعضای خانواده، تحت تأثیر مستقیم سلامت روانی مادر قرار می‌گیرد (اگامی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۵). خانواده‌هایی که مادران آن‌ها از سرمایه‌های روانشناختی قوی و مهارت‌های فراهیجان مناسب برخوردارند، الگوهای ارتباطی سالم‌تر، انسجام بیشتر، و قابلیت تطبیق مؤثرتری با چالش‌های ناشی از اتیسم نشان می‌دهند (زورومبا^{۱۶} و همکاران، ۲۰۲۴). مادران دارای سطح بالای سرمایه‌های روانشناختی قادر به ایجاد محیط خانوادگی حمایتی‌تری هستند که در آن انسجام، انعطاف‌پذیری و ارتباط مؤثر ترویج می‌شود (قانونی و ایوس، ۲۰۲۳). همچنین، خانواده‌های با عملکرد بالا، پشتیبانی بهتری

1 Autism Spectrum Disorder

2 Maughan

3 Ghanouni & Eves

4 Holmberg Bergman

5 Psychological capital

6 Al Eid

7 Youssef-Morgan

8 Rashidi

9 Loghman,

10 Meta-Emotion

11 Bajaj

12 Yao

13 Ni

14 Family performance

15 Egami

16 Zoromba

از کودک اتیسم ارائه کرده و نتایج درمانی مطلوب‌تری را تجربه می‌کنند (رحمانیان^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). در مقابل، اختلال در این متغیرها منجر به تنش‌های خانوادگی، جداسازی اعضا، و کاهش حمایت اجتماعی درونی خانواده می‌شود (هان و گائو^۲، ۲۰۲۵).

در این راستا، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد^۳ به عنوان رویکردی نوین و مبتنی بر شواهد، پتانسیل قابل‌توجهی برای پرداختن به نیازهای پیچیده مادران کودکان اتیسم ارائه می‌دهد. این رویکرد درمانی بر اساس فلسفه عملکردگرایی روانشناختی، بر جای تلاش برای حذف یا کنترل تجربیات دشوار، بر پذیرش آگاهانه این تجربیات و متعهدشدن به اقدامات ارزش‌محور تأکید دارد (کیانی^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد از طریق توسعه انعطاف‌پذیری روانشناختی، به مادران کمک می‌کند تا با استرس‌ها و چالش‌های مراقبتی به شیوه‌ای سازنده و پایدار مواجه شوند (رشیدی و همکاران، ۲۰۲۴).

مکانیسم‌های کلیدی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد شامل پذیرش تجربیات دشوار بدون قضاوت، کاهش اجتناب تجربی، توسعه آگاهی متعالی از افکار و احساسات، و تقویت تعهد به ارزش‌های شخصی، ارتباط مستقیمی با بهبود سرمایه‌های روانشناختی دارد (کیانی و همکاران، ۲۰۲۴). زمانی که مادران می‌آموزند تا با ناراحتی‌های ناشی از وضعیت فرزندشان به شیوه‌ای پذیرنده مواجه شوند، امید و خوش‌بینی آن‌ها نسبت به آینده تقویت می‌شود (تولائی و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین، تمرکز بر ارزش‌های مادری و تعهد به اقدامات مؤثر، حس خودکارآمدی و تاب‌آوری آن‌ها را افزایش می‌دهد (رشیدی و همکاران، ۲۰۲۴). در حوزه فراهیجانی، تکنیک‌های درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد مانند ذهن‌آگاهی، پذیرش هیجانات، و تمایز بین خود و تجربیات هیجانی، مهارت‌های تنظیم هیجانی مادران را به طور قابل‌ملاحظه‌ای بهبود می‌بخشد (فروغی و همکاران، ۱۴۰۳). این مهارت‌ها به مادران امکان پاسخ‌دهی آرام‌تر و منطقی‌تر به رفتارهای چالش‌برانگیز فرزندشان را می‌دهد، که خود موجب کاهش تنش خانوادگی و بهبود روابط می‌شود (شهبازی و نعمت زاده گتایی، ۱۴۰۳). بر عملکرد خانواده نیز، بهبود سلامت روانی مادر از طریق درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد تأثیرات مثبت گسترده‌ای دارد. مادران آرام‌تر و متعادل‌تر، الگوهای ارتباطی مؤثرتری با همسر و سایر فرزندان برقرار می‌کنند، جو عاطفی خانه را بهبود می‌بخشند، و فضای حمایتی مناسب‌تری برای رشد و توسعه کودک اتیسم فراهم می‌آورند (رحمانیان و همکاران، ۲۰۲۵).

علی‌رغم اهمیت آشکار این متغیرها، شکاف قابل‌توجهی در ادبیات پژوهشی داخلی در زمینه کاربرد درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد برای مادران کودکان اتیسم وجود دارد. اکثر مطالعات انجام‌شده بر درمان مستقیم کودکان اتیسم متمرکز بوده و به نیازهای روانشناختی مادران به عنوان مراقبان اصلی توجه کافی نشده است. این پژوهش با بررسی همزمان سه متغیر کلیدی سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده، رویکردی جامع و یکپارچه به درمان مادران ارائه می‌دهد. ضرورت اجرای این پژوهش از چندین منظر قابل توجه است. نخست، آمار رو به رشد تشخیص اتیسم در کشور، نیاز به راهکارهای مؤثر حمایت از خانواده‌ها را دوچندان کرده است. دوم، هزینه‌های بالای درمان‌های طولانی‌مدت، اهمیت توسعه مداخلات کارآمد و قابل دسترس را برجسته می‌سازد. سوم، تأثیر مستقیم سلامت روانی مادر بر پیشرفت درمانی کودک، سرمایه‌گذاری در این حوزه را اولویت قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نه تنها دانش نظری در زمینه کاربرد درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد را غنی خواهد کرد، بلکه راهنمایی عملی برای روانشناسان، مشاوران خانواده، و متخصصان اتیسم جهت طراحی مداخلات مؤثر فراهم خواهد آورد. همچنین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند مبنایی برای توسعه برنامه‌های آموزشی والدین و خط‌مشی‌های حمایتی در سطح ملی باشد که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی هزاران خانواده درگیر با اتیسم منجر خواهد شد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تعیین اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران کودکان اتیسم بود.

روش

روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را مادران ۳۰ تا ۴۵ ساله دارای کودکان مبتلا به اتیسم مراجعه‌کننده به مرکز اتیسم حضرت زینب شهر اصفهان در سال ۱۴۰۳ بود که از این جامعه تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس (بر اساس نرم‌افزار تعیین حجم نمونه G3 Powe و با در نظر گرفتن پارامترهای

1 Rahmianian

2 Han, F., & Gao

3 Acceptance and commitment therapy (ACT)

4 Kiani

اندازه اثر = 0.36 ؛ ضریب آلفا = 0.05 ؛ توان آزمون = 0.95) انتخاب شدند. حجم نمونه نیز برای هر یک از گروه‌های آزمایش و گواه ۱۵ نفر در نظر گرفته شد که به‌طور کلی حجم نمونه ۳۰ نفر اتخاذ شد. لذا در این مطالعه ۲ گروه ۱۵ نفری برای پژوهش انتخاب شد که تخصیص آنها در دو گروه آزمایش و گواه به صورت تصادفی انجام شد. ملاک‌های ورود پژوهش شامل داشتن حداقل یک فرزند که مبتلا به طیف اختلال اتیسم بود، بازه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال، گرفتن رضایت کتبی آگاهانه و تمایل به مشارکت در پژوهش و پرسشنامه‌هایی که نمرات تا دو انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین را کسب کردند بود و ملاک‌های خروج حضور نامنظم در جلسات، بروز مشکلات روانپزشکی حاد که مانع از حضور و ادامه در پژوهش شود و غیبت شرکت کنندگان بیش از دو جلسه، بود. روش اجرا به این صورت بود که پس انتخاب گروه نمونه با توجه به معیارهای ورود، پرسشنامه‌های مورد بررسی انجام شد. در ادامه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در مرکز اتیسم حضرت زینب شهر اصفهان آموزش داده شد (مرکز دارای فضا، امکانات و تجهیزات آموزشی مناسب بود). تمام افراد مشارکت‌کننده در پژوهش که حاضر به همکاری شدند، پرسشنامه‌ها را به‌صورت گروهی در هر دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تکمیل کرده و برای تکمیل آن‌ها محدودیت زمانی لحاظ نشد. نحوه اجرا نیز به این صورت بود که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای یک جلسه) و به صورت گروهی برگزار شد. از جنبه‌های اخلاقی پژوهش هم این بود که به افراد اطمینان داده شد که هیچگونه اطلاعات خصوصی و خانوادگی از آن‌ها اخذ نخواهد شد و اطلاعات شرکت کنندگان به صورت شخصی و محرمانه نزد پژوهشگر امانت خواهد بود. درنهایت برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش تحلیل کوواریانس چند متغیره با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه سرمایه‌های روانشناختی^۱ (PCQ): این پرسشنامه توسط لوتانز (۲۰۰۷) طراحی و دارای ۲۴ سوال و ۴ مؤلفه امیدواری، تابآوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی است و براساس طیف شش گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) به سنجش سرمایه روانشناختی می‌پردازد. برای به‌دست آوردن نمره سرمایه روانشناختی، نمره هر خرده مقیاس به صورت جداگانه به دست می‌آید و مجموع نمرات به عنوان نمره کل سرمایه روانشناختی محسوب می‌شود (شاکرمی و همکاران، ۱۳۹۳). در نسخه اصلی برای بررسی روایی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد و تمامی ضرایب بالای 0.40 گزارش شد و همچنین نتایج حاکی از این بود که پرسشنامه دارای عوامل و سازه‌های موردنظر سازندگان آزمون بود؛ همچنین پایایی با ضریب آلفای کرونباخ برابر با 0.89 برای کل آزمون بود (لوتانز، ۲۰۰۷). در ایران نیز در مطالعه بهادری‌خسروشاهی و همکاران (۱۳۹۳) روایی محتوایی آزمون مورد بررسی قرار گرفته است مقدار آن 0.79 گزارش شد. میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش شاکرمی و همکاران (۱۳۹۳) با ضریب آلفای کرونباخ 0.79 ثبت گردیده است. همچنین در تحقیق رحیم‌نیا و امانی (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه 0.82 به‌دست آمده است. میزان آلفای کرونباخ به‌دست آمده در این پژوهش برای زیر مقیاس‌های خودکارآمدی 0.94 ، امیدواری 0.66 ، تابآوری 0.64 و خوشبینی 0.67 بود. همچنین آلفای کرونباخ به‌طور کلی برای پرسشنامه سرمایه‌های روانشناختی در پژوهش حاضر 0.88 برآورد شده است.

پرسشنامه فراهیجان^۲ (MEQ): این ابزار توسط میتمنسرگرابر و همکاران (۲۰۰۹) ساخته شده و دارای ۲۸ گویه و شش خرده مقیاس است. این پرسشنامه در کل دو بعد فراهیجان مثبت (فراشفقت و فراعلاقه) و منفی (فراخشم، فراشرم، فراکنترل فکر، فرابازداری) را می‌سنجد و براساس طیف لیکرت پنج درجه ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۵) نمره‌گذاری می‌شود و حداقل و حداکثر نمره حاصل برابر ۲۸ و ۱۴۰ است. داشتن نمرات بالا به معنای افزایش فراهیجان منفی یا مثبت است. ضریب پایایی گزارش شده توسط سازندگان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای بعد فراهیجان مثبت 0.91 و برای فراهیجان منفی 0.85 گزارش شده است. این مقیاس برای استفاده در فرهنگ ایرانی، ترجمه، روا و پایا شده است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه 0.81 بدست آمده است (احدی، ۱۳۹۶). رضایی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود از ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی و از روش تحلیل عاملی تأییدی و همبستگی مقیاس فراهیجان با هوش عاطفی برای بررسی روایی پرسشنامه استفاده کردند که نتایج نشان داد، ضریب آلفای کرونباخ در خرده مقیاس فراهیجان مثبت 0.87 و در خرده مقیاس فراهیجان منفی 0.70 و برای کل مقیاس 0.89 است. همچنین نتایج تحلیل عاملی تأییدی بارعاملی بالاتر از 0.30 را نشان داد. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ابعاد فراشفقت 0.80 ، فراعلاقه 0.72 ، فراخشم 0.75 ، فراشرم 0.69 ، فراکنترل فکر 0.71 و فرابازداری 0.83 به دست آمد.

1 Psychological Capital Questionnaire
 2 Meta-Emotion Questionnaire
 3 Mittmansgruber, Beck, Hofer, Schubler

پرسشنامه عملکرد خانواده^۱(FFQ): این ابزار یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است که اپشتاین و همکاران (۱۹۸۳) آن را بر اساس الگوی مک مستر برای سنجیدن عملکرد خانواده تدوین کرده‌اند. این الگو ویژگی‌های ساختاری و شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش بعد (حل مسئله، ارتباطات، نقش‌ها، پاسخگویی عاطفی، درگیری عاطفی و کنترل رفتاری) به علاوه یک خرده مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده را مشخص می‌کند. به هر سوال نمره ۱ تا ۴ (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) تعلق می‌گیرد. به سوالاتی که توصیف عملکرد ناسالم‌اند نمره معکوس داده می‌شود. اپشتاین و همکاران (۱۹۹۳) روایی این ابزار را به روش همبستگی آن با مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس (۱۹۵۹) ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. همچنین، آنان دامنه ضریب آلفای کرونباخ زیر مقیاس‌ها و کل ابزار را در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ گزارش کرده‌اند. در ایران ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۷) پایایی این ابزار را با استفاده از روش بازآزمایی پس از ۲ ماه برای کل ابزار ۰/۹۴ و روایی آن به روش تحلیلی عاملی را بین ۰/۴۷ تا ۰/۶۱ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش پایایی مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۴ به دست آمد.

درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد: گروه آزمایش تحت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و هفتگی آموزش دیدند و این جلسات به صورت گروهی بود. پروتکل درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد داهل و همکاران (۲۰۱۵) ساخته شد در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پروتکل درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد

جلسه	اهداف	محتوای جلسات
اول	معارفه	برقراری رابطه درمانی، آشنا نمودن افراد با موضوع پژوهش، پاسخ به پرسشنامه و بستن قرارداد درمانی.
دوم	اتخاذ روش درمانی مناسب	کشف و بررسی روش‌های درمانی و ارزیابی میزان تاثیر آن‌ها، بحث در مورد موقتی و کم اثر بودن درمان‌ها با استفاده از تمثیل دریافت بازخورد و ارائه تکلیف.
سوم	شناسایی راهبردهای ناکارآمد کنترل	کمک به مراجع برای تشخیص راهبردهای ناکارآمد کنترل و پی بردن به بهبودی آن‌ها، پذیرش وقایع شخصی دردناک بدون کشمکش با آن‌ها با استفاده از تمثیل، دریافت بازخورد و ارائه تکلیف.
چهارم	آگاهی از تجارب دردناک و عدم مهار آن‌ها	توضیح در مورد اجتناب از تجارب دردناک و آگاهی از پیامدهای آن، تمایل به تجربه درد و یا دیگر رویدادهای آشفته کننده بدون اقدام به مهار آن، آموزش گام‌های پذیرش، تغییر مفاهیم زبان با استفاده از تمثیل، آموزش تن آرامی، دریافت بازخورد و ارائه تکلیف.
پنجم	مدل سه بعدی رفتار	معرفی مدل رفتاری سه بعدی به منظور بیان ارتباط مشترک رفتار/احساسات، آموختن جداسازی فرد از تجارب ذهنی، کارکردهای روانشناختی و رفتار قابل مشاهده و بحث در مورد تلاش برای تغییر رفتار بر اساس آن، دریافت بازخورد و ارائه تکلیف.
ششم	مشاهده خویشتن و پذیرش آن	توضیح مفاهیم نقش و زمینه، مشاهده خویشتن به عنوان یک بستر و برقراری تماس با خود با استفاده از تمثیل، آگاهی از دریافت‌های حسی مختلف و جدایی از حس‌هایی که جزء محتوای ذهنی هستند. دریافت بازخورد و ارائه تکلیف.
هفتم	شناسایی ارزش‌ها	توضیح مفهوم ارزش‌ها، ایجاد انگیزه برای تغییر و توانمند نمودن مراجع برای زندگی بهتر، تمرین تمرکزی، دریافت بازخورد و ارائه تکلیف.
هشتم	جمع‌بندی	تعهد و نحوه عمل به آن چگونه است، شناسایی طرح‌های رفتاری مطابق با ارزش‌ها و ایجاد تعهد برای عمل به آن‌ها، جمع بندی جلسات.

یافته‌ها

میانگین سن مادرگزارش شده برای نمونه پژوهش حاضر به تفکیک گروه‌ها؛ برای گروه مداخله $4/12 \pm 36/53$ و در گروه گواه $3/52 \pm 36/00$ و میانگین سن و انحراف استاندارد سن کودکان برای گروه مداخله $2/38 \pm 7/86$ و در گروه گواه $2/55 \pm 8/40$ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۰ و حداکثر سن ۴۰ گزارش شد. همچنین سطح تحصیلات در گروه آزمایش به ترتیب ۳۲/۵ درصد

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم
The effectiveness of acceptance and commitment therapy on the psychological capital, distress, and family functioning ...

(دپلم)، ۴۰ درصد (کارشناسی)، ۲۰ درصد (ارشد) و ۷/۵ درصد (دکتری) و در گروه گواه ۳۵ درصد (دپلم)، ۳۲/۵۰ درصد (کارشناسی)، ۱۷/۵ درصد (ارشد) و ۱۵ درصد (دکتری) بودند. همچنین تعداد فرزندان شرکت‌کنندگان به تفکیک گروه‌ها در گروه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (۱۰ درصد یک فرزند، ۵۵ درصد دو فرزند و ۳۵ درصد سه فرزند)، گروه کنترل (۲۵ درصد یک فرزند، ۵۵ درصد دو فرزند و ۳۰ درصد سه فرزند) داشتند. در جدول ۲، میانگین و انحراف معیار متغیرهای سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان، عملکرد خانواده و ابعاد آن‌ها در گروه آزمایش (درمان مبتنی بر پذیرش) نسبت به گروه کنترل، در مرحله پس‌آزمون ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی مولفه‌های سرمایه روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده به تفکیک گروه‌های آزمایش و کنترل

درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد		کنترل			
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
۵۲/۴۰	۴/۷۹	۵۴/۸۶	۶/۶۸	پیش آزمون	سرمایه روانشناختی
۱۰۷/۵۳	۵/۶۱	۵۲	۶/۲۸	پس آزمون	
۱۱/۴۰	۲/۴۱	۱۰/۵۳	۲/۳۵	پیش آزمون	فراشفقت
۲۴/۵۳	۲/۰۹	۱۰/۹۳	۲/۲۱	پس آزمون	
۱۳/۸۶	۲/۷۹	۱۲/۸۶	۱/۹۹	پیش آزمون	فراعلاقه
۲۴/۶۶	۲/۲۵	۱۲/۵۳	۱/۷۲	پس آزمون	
۲۵/۲۶	۳/۹۱	۲۳/۴۰	۲/۹۷	پیش آزمون	فراهیجان مثبت
۴۹/۲۰	۲/۸۸	۲۳/۴۶	۲/۷۹	پس آزمون	
۱۳/۹۳	۲/۵۷	۱۲/۶۶	۲/۴۶	پیش آزمون	فراخشم
۹/۰۶	۲/۱۸	۱۲/۸۶	۲/۱۳	پس آزمون	
۱۷/۸۶	۲/۳۸	۱۸/۲۰	۲/۴۶	پیش آزمون	فراشرم
۱۵/۶۰	۱/۷۶	۱۷/۶۰	۲/۷۲	پس آزمون	
۱۸	۲/۶۷	۱۷/۸۱	۲/۵۳	پیش آزمون	فراکنترل
۱۱/۵۳	۲/۸۷	۱۷/۷۳	۲/۰۱	پس آزمون	
۶/۴۶	۱/۱۸	۵/۷۳	۱/۱۶	پیش آزمون	فراپاداری
۵/۳۳	۱/۱۱	۵/۸۶	۱/۰۶	پس آزمون	
۵۶/۲۶	۵/۰۶	۵۴/۶۰	۵/۶۰	پیش آزمون	فراهیجان منفی
۴۱/۵۳	۴/۲۲	۵۴/۰۶	۴/۲۶	پس آزمون	
۱۵۲/۰۶	۷/۱۰	۱۵۴/۸۰	۹/۷۹	پیش آزمون	عملکرد خانواده
۱۱۰/۸۶	۹/۴۹	۱۵۵/۶۶	۱۰/۱۳	پس آزمون	

چنانکه در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، میانگین بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده در گروه مداخله و گروه گواه نشان داده شده است؛ چنانچه مشاهده می‌شود میانگین این دو متغیر در بین دو گروه مورد مطالعه در پیش آزمون تفاوت چندانی نشان نمی‌دهند؛ اما بعد از مداخله گروه مداخله تفاوت چشمگیری را نسبت به گروه گواه در مقایسه با قبل از مداخله نشان می‌دهند. پیش‌فرض نرمال بودن متغیرهای مورد مطالعه با استفاده از آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف در مورد همه متغیرهای فرض نرمال بودن نمرات را تایید کرد ($p > 0.05$). نتایج آزمون ام‌باکس نشان داد پیش‌فرض همگنی ماتریس واریانس-کواریانس رعایت شده است ($p > 0.05$). نتایج حاصل از آزمون لوین در خصوص پیش‌فرض تساوی واریانس‌های سرمایه روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده و ابعاد هر یک از آن‌ها در شرکت‌کنندگان گروه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و گروه کنترل نشان داد پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها در مورد همه متغیرها برقرار است و بین میزان واریانس خطای گروه‌ها همگنی وجود دارد. درنهایت، در بررسی پیش‌فرض همگنی شیب‌خط رگرسیون مشخص شد که تعامل پیش‌آزمون با متغیر گروه‌بندی در مراحل پس‌آزمون در متغیرهای سرمایه روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده و ابعاد هر یک از آن‌ها، معنادار نبوده است ($p > 0.05$) و بین مراحل پیش‌آزمون با پس‌آزمون همگنی وجود دارد و رابطه خطی برقرار است. بنابراین با توجه به رعایت پیش‌فرض‌ها، امکان اجرای تحلیل واریانس آمیخته بر روی نتایج جهت بررسی

فرضیات پژوهش بلامانع است. با توجه به برقرار ی مفروضه های تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده از این آزمون مجاز است؛ بنابراین برای آزمون فرضیه های پژوهش از تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد.

جدول ۳. شاخص های چندمتغیری در تحلیل واریانس چند متغیره

آزمون	ارزش	F	درجه آزادی اثر	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
اثربخشی	۰/۹۰۳	۱۹۰/۹۶۲	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۹۰۳
لامبدای ویلکز	۰/۰۹۷	۱۹۰/۹۶۲	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۹۰۳
اثرهاتلینگ	۹/۳۱۵	۱۹۰/۹۶۲	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۹۰۳
بزرگترین ریشه روی	۹/۳۱۵	۱۹۰/۹۶۲	۳	۲۳	۰/۰۰۱	۰/۹۰۳

شاخص لامبدای ویلکز به دست آمده برای متغیرهای مورد پژوهش ($F = 190/962$ و $P < 0/001$) در سطح $P < 0/01$ معنی دار بود. بر این اساس می توان گفت که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته سرمایه های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده بین گروه آزمایشی و گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود دارد، برای بررسی این تفاوت، تحلیل آنکوا در متن مانکوا روی نمره های پس آزمون انجام گرفت که نتایج حاصل از آن در جدول ۴ درج شده است.

جدول ۴. نتیجه تحلیل کوواریانس برای متغیرهای پژوهش

متغیر	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر
سرمایه	پیش آزمون	۲۹۵۶۱/۰۸۱	۱/۱۶	۲۵۴۶۹/۰۸۷	۱۱۵۳/۳۰۰	۰/۰۰	۰/۹۶
روانشناختی	گروه	۱۶۸۷۳/۷۱۹	۲/۳۲	۷۲۶۸/۹۸	۳۲۹/۱۵۷	۰/۰۰	۰/۹۴
	خطا	۱۰۷۶/۵۳۳	۴۸/۷۴	۲۲/۰۸			
فراشفقت	پیش آزمون	۱۳۰۱/۳۷۸	۱/۲۲۸	۲۵۲۵/۶۱۴	۶۰۸/۹۳۵	۰/۰۰	۰/۹۳
	گروه	۱۵۰۲/۰۴۴	۲/۴۵	۶۱۱/۵۹۷	۱۴۷/۴۵۸	۰/۰۰	۰/۸۷
	خطا	۲۱۳/۹۱۱	۵۱/۵۷۵	۴/۱۴۸			
فراعلاقه	پیش آزمون	۱۳۵۵/۹۲۶	۱/۱۰۲	۱۲۳۰/۳۵۶	۱۸۸/۷۶۷	۰/۰۰	۰/۸۱
	گروه	۷۶۷/۷۱۹	۲/۲۰۴	۳۴۸/۳۱۱	۵۳/۴۳۹	۰/۰۰	۰/۷۱
	خطا	۳۰۱/۶۸۹	۴۶/۲۸۷	۶/۵۱۸			
فراهیجان	پیش آزمون	۸۵۵۷/۰۸۱	۱/۱۳۰	۷۵۷۱/۸۶۳	۶۶۱/۲۵۱	۰/۰۰	۰/۹۴
مثبت	گروه	۴۲۸۲/۰۷۴	۲/۲۶۰	۱۸۹۴/۵۲۹	۱۶۵/۴۴۹	۰/۰۰	۰/۸۸
	خطا	۵۴۳/۵۱۱	۴۷/۴۶۵	۱۱/۴۵۱			
فراخشم	پیش آزمون	۲۴۰/۹۳۳	۱/۱۹۰	۲۰۲/۴۵۸	۶۵/۳۵۱	۰/۰۰	۰/۶۰
	گروه	۱۵۴/۲۲۲	۲/۳۸۰	۶۴/۷۹۷	۲۰/۹۱۶	۰/۰۰	۰/۴۹
	خطا	۱۵۴/۸۴۴	۴۹/۹۸۲	۳/۰۹۸			
فراشرم	پیش آزمون	۳۳۴/۴۴۴	۱/۱۴۸	۲۹۱/۲۳۹	۷۰/۷۳۶	۰/۰۰	۰/۶۲
	گروه	۲۸۹/۶۴۴	۲/۲۹۷	۱۲۶/۱۱۳	۳۰/۶۳۰	۰/۰۰	۰/۵۹
	خطا	۱۹۸/۵۷۸	۴۸/۲۳۱	۴/۱۱۷			
فراکنترل	پیش آزمون	۴۸۹/۴۵۹	۱/۰۸۵	۴۴۸/۴۲۵	۴۶/۱۵۰	۰/۰۰	۰/۵۲
	گروه	۲۲۴/۸۳۰	۲/۱۷۰	۱۰۳/۶۲۵	۱۰/۶۶۵	۰/۰۰	۰/۳۳
	خطا	۴۴۲/۷۱۱	۴۵/۵۶۲	۹/۷۱۷			
فراپادداری	پیش آزمون	۲۲/۹۳۳	۱/۳۵۷	۱۶/۹۰۶	۹/۷۷۱	۰/۰۱	۰/۱۸
	گروه	۳۰/۴۸۹	۲/۷۱۳	۱۱/۲۳۸	۶/۴۹۵	۰/۰۱	۰/۲۳
	خطا	۹۸/۵۷۸	۵۶/۹۷۵	۱/۷۳۰			

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم
The effectiveness of acceptance and commitment therapy on the psychological capital, distress, and family functioning ...

فراهیجان	پیش‌آزمون	۳۶۷۶/۱۰۴	۱/۱۶۴	۳۱۵۸/۳۷۲	۱۶۴/۸۵۲	۰/۰۰	۰/۷۹
منفی	گروه	۲۰۰۷/۳۱۹	۲/۳۲۸	۸۶۲/۳۱۰	۴۵/۰۰۸	۰/۰۰	۰/۶۸
	خطا	۹۳۶/۵۷۸	۴۸/۸۸۵	۱۹/۱۵۹			
عملکرد	پیش‌آزمون	۲۲۱۷۷/۹۷۰	۱/۳۶۵	۱۶۲۴۳/۳۵۸	۷۵۳/۱۳۳	۰/۰۰	۰/۹۴
خانواده	گروه	۱۲۰۵۹/۸۹۶	۲/۷۳	۴۴۱۶/۳۹۲	۲۰۴/۷۶۹	۰/۰۰	۰/۹۰
	خطا	۱۲۳۶/۸۰۰	۵۷/۳۴۵	۲۱/۵۶۸			

طبق جدول ۴، نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که با کنترل پیش‌آزمون، تفاوت معناداری بین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش از لحاظ سرمایه روانشناختی ($F=۳۲۹/۱۱۵$, $P=۰/۰۰۰$)، عملکرد خانواده ($F=۲۰۴/۷۶۹$, $P=۰/۰۰۰$)، فراشفقت ($P=۰/۰۰۰$)، فراهیجان ($F=۱۴۷/۴۵۸$)، فراعلاقه ($F=۵۳/۴۳۹$, $P=۰/۰۰۰$)، فراهیجان مثبت ($F=۱۶۵/۴۴۹$, $P=۰/۰۰۰$)، فراهیجان منفی ($P=۰/۰۰۰$)، فراهیجان ($F=۴۵/۰۰۸$)، فراخشم ($F=۲۰/۹۱۶$, $P=۰/۰۰۰$)، فراکنترل ($F=۱۰/۶۶۵$, $P=۰/۰۰۰$)، فراشرم ($F=۳۰/۶۳۰$, $P=۰/۰۰۰$)، فراپابرداری ($F=۶/۴۹۵$, $P=۰/۰۱$) وجود دارد؛ به عبارت دیگر، درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم موثر بوده است و با توجه به شاخص مجذور اتا در دو گروه کنترل و آزمایش می‌توان گفت سرمایه روانشناختی ۰/۹۴، فراهیجان ۰/۸۸، عملکرد خانواده ۰/۹۰، فراهیجان ۰/۶۸، فراپابرداری ۰/۲۳، فراکنترل ۰/۳۳، فراشرم ۰/۵۹، فراخشم ۰/۴۹، فراعلاقه ۰/۷۱، فراشفقت ۰/۸۷ اختلاف بین دو گروه کنترل و آزمایش در مقیاس سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده ناشی از تاثیر متقابل متغیر وابسته یعنی درمان پذیرش و تعهد است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران کودکان اتیسم انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی مادران کودکان اتیسم موثر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های آلعید و همکاران (۲۰۲۴) لقمان و همکاران (۲۰۲۵) یوسف مورگان (۲۰۲۴) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد با تمرکز بر پذیرش تجربیات دشوار و کاهش اجتناب تجربی، مادران را قادر می‌سازد تا به جای مبارزه با احساسات منفی و افکار ناکارآمد، آنها را به عنوان بخشی طبیعی از تجربه انسانی بپذیرند (کیانی و همکاران، ۲۰۲۴). این پذیرش باعث کاهش انرژی روانی صرف‌شده برای مقابله با استرس می‌شود و انعطاف‌پذیری روانشناختی را افزایش می‌دهد (تولائی و همکاران، ۱۴۰۳). مؤلفه ارزش‌های شخصی در درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران کمک می‌کند تا هدف و معنای زندگی خود را بازبایی کنند، که مستقیماً بر امید و خوش‌بینی تأثیر مثبت می‌گذارد. تکنیک‌های ذهن‌آگاهی نیز آگاهی لحظه‌ای را تقویت کرده و قدرت تمرکز بر منابع موجود را افزایش می‌دهد (رشیدی و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، تمرینات مربوط به خودشفقت‌ورزی و عدم قضاوت نسبت به خود، اعتماد به نفس و خودکارآمدی مادران را بهبود می‌بخشد (تولائی و همکاران، ۱۴۰۳). در نهایت، کاهش اجتناب و افزایش مشارکت فعال در زندگی، حس کنترل و تسلط بر شرایط را تقویت می‌کند، که همگی منجر به افزایش کلی سرمایه روانشناختی می‌شوند (کیانی و همکاران، ۲۰۲۴).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر فراهیجان مادران کودکان اتیسم موثر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های بازاچ و همکاران (۲۰۲۳)، محمدی و قمرانی (۱۴۰۳) و بامداد و همکاران (۱۴۰۳) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بهبود مهارت‌های فراهیجان در مادران کودکان اتیسم پس از درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، نتیجه‌ای است که از تقویت آگاهی متعالی و توسعه مهارت‌های تنظیم هیجانی پیشرفته حاصل می‌شود (شهبازی و نعمت زاده گتایی، ۱۴۰۳). این رویکرد درمانی با تمرکز بر پذیرش تجربیات هیجانی و افکار منفی به جای مقاومت در برابر آنها، موجب افزایش انعطاف‌پذیری روانشناختی در مادران می‌شود. فراهیجان یا متاشناخت هیجانی که شامل آگاهی، نظارت، ارزیابی و تنظیم فرآیندهای هیجانی است، از طریق تکنیک‌های ذهن‌آگاهی و پذیرش در این درمان تقویت می‌گردد (مائقان و همکاران، ۲۰۲۴). مکانیسم اثربخشی این درمان در آن است که مادران یاد می‌گیرند به جای اجتناب از هیجانات مشکل‌ساز یا تلاش برای کنترل آنها، با آگاهی کامل آنها را تجربه و پذیرش کنند. این فرآیند منجر به کاهش اضطراب، افسردگی و استرس والدینی می‌شود و در عین حال مهارت‌های تنظیم هیجانی را بهبود می‌بخشد. تحقیقات کنترل‌شده تصادفی

نشان داده‌اند که مادران شرکت‌کننده در جلسات گروهی این درمان، بهبود معناداری در شاخص‌های بهزیستی روانشناختی و کیفیت زندگی خانوادگی تجربه می‌کنند (یائو و همکاران، ۲۰۲۴). این بهبودها نه تنها به خود مادران بلکه به کل خانواده و رفتار کودک اوتیسم نیز منتقل می‌شود و محیط خانوادگی سازنده‌تری ایجاد می‌کند (نی و همکاران، ۲۰۲۵).

آخرین یافته پژوهش نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر عملکرد خانواده مادران کودکان اتیسم موثر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های آگامی و همکاران (۲۰۲۵) زورومبا و همکاران (۲۰۲۴) هان و گائو (۲۰۲۵) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد از طریق بهبود تنظیم هیجانی مادران، تأثیر مستقیمی بر عملکرد خانواده آنها می‌گذارد. وقتی مادران یاد می‌گیرند که به جای مقاومت در برابر استرس‌های ناشی از مراقبت از کودک اتیسم، آنها را بپذیرند، میزان واکنش‌های هیجانی شدید کاهش می‌یابد که این امر فضای خانوادگی آرام‌تری ایجاد می‌کند (زورومبا و همکاران، ۲۰۲۴). مؤلفه ارزش‌های شخصی در درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به مادران کمک می‌کند تا اولویت‌های خانوادگی خود را شناسایی کرده و رفتارهای هدفمندتری اتخاذ کنند (کیانی و همکاران، ۲۰۲۴). تکنیک‌های ذهن‌آگاهی موجب بهبود حضور ذهنی مادران در تعاملات خانوادگی می‌شود، که کیفیت ارتباط با کودک و سایر اعضای خانواده را افزایش می‌دهد (هان و گائو، ۲۰۲۵). کاهش اجتناب تجربی باعث می‌شود مادران به جای فرار از موقعیت‌های چالش‌برانگیز، راهکارهای مؤثرتری برای حل مسائل خانوادگی پیدا کنند (قانونی و ایوس، ۲۰۲۳). همچنین، بهبود انعطاف‌پذیری روانشناختی مادران را قادر می‌سازد تا با تغییرات و نیازهای متنوع کودک اتیسم سازگار شوند. افزایش خودشفقت‌ورزی نیز استرس والدینی را کاهش داده و فضای عاطفی مثبت‌تری در خانواده ایجاد می‌کند که نهایتاً منجر به بهبود کلی عملکرد خانواده می‌شود (رحمانیان و همکاران، ۲۰۲۵).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد به عنوان رویکردی جامع و مبتنی بر شواهد، قابلیت قابل توجهی برای بهبود کیفیت زندگی روانشناختی مادران کودکان اتیسم در شهر اصفهان دارد. اثربخشی این مداخله در ارتقای سرمایه‌های روانشناختی، بهبود مهارت‌های فراهیجان، و تقویت عملکرد خانوادگی نشان می‌دهد که درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد نه تنها به کاهش آسیب‌های روانشناختی ناشی از استرس مراقبتی کمک می‌کند، بلکه به عنوان مداخله‌ای سازنده، ظرفیت‌های درونی مادران را برای مواجهه مؤثر با چالش‌های پیش‌رو تقویت می‌نماید. این نتایج نه تنها اهمیت تمرکز بر نیازهای روانشناختی مراقبان در نظام مراقبت جامع کودکان اتیسم را برجسته می‌سازد، بلکه امکان توسعه برنامه‌های مداخله‌ای کارآمد و پایدار برای این جمعیت آسیب‌پذیر را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌های دیگر دارای محدودیت دارد، محدود بودن جامعه آماری به مادران کودکان اتیسم ساکن شهر اصفهان، از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به نبود جلسه‌های پیگیری درمان به علت دسترسی نداشتن به افراد نمونه در طولانی مدت، استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس اشاره نمود، پیشنهاد می‌شود که ادغام اصول و تکنیک‌های درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد در برنامه‌های آموزشی مراکز اتیسم و کلینیک‌های تخصصی کودکان، به عنوان بخشی از رویکرد درمان جامع و چندرشته‌ای، می‌تواند اثربخشی کلی مداخلات را افزایش دهد و رویکردی یکپارچه به حمایت از خانواده‌ها ارائه نماید.

منابع

- احدی، ب؛ مهری نژاد، س.؛ و مرادی، ف. (۱۳۹۶). نارسایی‌های شناختی در سالمندان: نقش ذهن آگاهی و فراهیجان. *روانشناسی پیری*، ۳(۲)، ۱۱۵-۱۲۵.
<https://sid.ir/paper/259395/fa>
- بامداد، م؛ اسماعیلی، ع؛ و قدم پور، ع. ا. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر کیفیت زندگی خانوادگی مادران دارای فرزندان اوتیسم و اختلال نقص توجه/ بیش‌فعالی. *مجله شناخت، رفتار، یادگیری*، ۱۱(۱)، ۱۵۳-۱۶۶.
<https://doi.org/10.61838/jcbl.1.1.12>
- تولائی، م؛ حصارکی شرق، م؛ سیحون، م؛ تحویلین، ن؛ و حسین زاده، م. (۱۴۰۳). اثربخشی درمان مبتنی بر تعهد و پذیرش بر سرمایه روان‌شناختی، وزن و توده چربی در زنان مبتلا به چاقی. *طلوع بهداشت*، ۲۳ (۴)، ۳۰۰-۱۵.
 URL: <http://tbj.ssu.ac.ir/article-1-3659-fa.html>
- رضایی، ن. م؛ پارسایی، ا؛ نجاتی، ع؛ نیک آمال، م؛ و هاشمی رزینی، س. (۱۳۹۳). ویژگیهای روانسنجی مقیاس فراهیجان دانشجویان. *تحقیقات روانشناختی*، ۶(۲۳)، ۱۱۱-۱۲۴.
<https://sid.ir/paper/504516/fa>
- سادات سیدی، م.، و داستانی، م. (۱۴۰۲). اثربخشی درمان شناختی - رفتاری بر سرمایه‌های روان‌شناختی و سلامت روان مادران کودکان ناتوان ذهنی. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۲۱(۲)، ۱-۱۲.
[doi: 10.22070/cpap.2023.17296.1319](https://doi.org/10.22070/cpap.2023.17296.1319)

اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر سرمایه‌های روانشناختی، فراهیجان و عملکرد خانواده مادران دارای کودکان مبتلا به اختلالات طیف اتیسم
The effectiveness of acceptance and commitment therapy on the psychological capital, distress, and family functioning ...

شهبازی، م؛ و نعمت زاده گنتابی، ش. (۱۴۰۳). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تنظیم هیجان و بهزیستی روان‌شناختی زنان مبتلا به بیماری پوستی ویتیلیگو. *رویش روان‌شناسی*، ۱۳ (۱۱)، ۸۵-۹۴. <http://frooyesh.ir/article-1-5110-fa.html>

فروغی، ف؛ غلامزاده جفهره، م؛ کاظمیان مقدم، ک؛ و عابدی، پ. (۱۴۰۳). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر تنظیم منفی هیجان، تحمل پریشانی و انعطاف‌پذیری روانی زنان مبتلا به میگرن. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۳۱ (۵)، ۷۴۶-۷۳۳. doi: 10.30468/jsums.2024.7733.3036

محمدی، ز؛ و قمرانی، ا. (۱۴۰۳). اثربخشی آموزش تعامل مادر-کودک بر اساس الگوی پرسید بر فلسفه فراهیجانی مادران و مشکلات هیجانی رفتاری فرزندان. *روانشناسی افراد/استثنایی*، ۱۴ (۵۵)، ۹۹-۱۳۶. doi: 10.22054/jpe.2024.78639.2684

Al Eid, N. A., Alshehri, S. M., & Arnout, B. A. (2024). The Predictability of Stress Coping Strategies and Psychological Capital on the Psychological Well-Being of Autistic Spectrum Children's Mothers in the Kingdom of Saudi Arabia. *Behavioral Sciences*, 14(12), 1235. <https://doi.org/10.3390/bs14121235>

Bajaj, M., Gupta, J., & Arun, P. (2023). Parenting style of mothers with generalized anxiety disorder and behavioral problems in their children. *International Journal of Science and Research Archive*, 8(1): 754-760. <http://dx.doi.org/10.30574/ijrsra.2023.8.1.0140>

Dahl, C., Stuart, A., Martel, K., & Kaplan, C. (2015). ACT and RFT in relationships: helping clients eager for intimacy and maintain healthy obligations. Translation: Navabinejad Sh, Saadati N. and Rostami M. The first edition, Tehran: the Jungle. <https://psycnet.apa.org/record/2014-07976-000>

Egami, C., Tanaka, M., Shiota, Y., & Yamashita, Y. (2025). Association between parenting resilience and parenting and family adjustment of mothers of children with autism spectrum disorder. *International Journal of Developmental Disabilities*, 1-11. <https://doi.org/10.1080/20473869.2025.2459973>

Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of marital and family therapy*, 9(2), 171-180. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1983.tb01497.x>

Ghanouni, P., & Eves, L. (2023). Resilience among parents and children with autism spectrum disorder. *Mental Illness*, 2023(1), 2925530. <https://doi.org/10.1155/2023/2925530>

Han, F., & Gao, X. (2025). The Challenge Coping and Resilience of the Families of School-Aged Children with Autism Spectrum Disorder in China: A Qualitative Study. *Behavioral Sciences*, 15(4), 409. <https://doi.org/10.3390/bs15040409>

Holmberg Bergman, T., Renhorn, E., Berg, B., Lappalainen, P., Ghaderi, A., & Hirvikoski, T. (2023). Acceptance and Commitment Therapy Group intervention for parents of children with disabilities (navigator ACT): An open feasibility trial. *Journal of autism and developmental disorders*, 53(5), 1834-1849. DOI: [10.1007/s10803-022-05490-6](https://doi.org/10.1007/s10803-022-05490-6)

Kiani, M., Mojahedi, M., Salehiniya, H., & Sahranavard, S. (2025). The Effect of Acceptance and Commitment-Based Group Training on Self-Esteem and Perceived Stress in Mothers of Children with Attention Deficit-Hyperactivity Disorder. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 43(2), 1-15. <https://doi.org/10.1007/s10942-024-00577-8>

Loghman, S., Ramirez-Perez, M., Bohle, P., & Martin, A. (2025). A comprehensive meta-analysis of the impact of intervention programmes on psychological capital development: post-intervention and longer-term effects. *Personnel Review*, 54(1), 106-129. <https://doi.org/10.1108/PR-10-2023-0854>

Luthans F, Luthans K, & Luthans BC. (2004). Positive Psychological Capital: Going beyond human and social capital. *Bus horiz*; 47(1), 45-50. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2003.11.007>

Maughan, A. L., Lunskey, Y., Lake, J., Mills, J. S., Fung, K., Steel, L., & Weiss, J. A. (2024). Parent, child, and family outcomes following Acceptance and Commitment Therapy for parents of autistic children: A randomized controlled trial. *Autism*, 28(4), 912-925. DOI: [10.1177/13623613231172241](https://doi.org/10.1177/13623613231172241)

Mitmansgruber, H., Beck, T., Hofer, S., et al. (2009). When you don't like what you feel: Experiential avoidance, mindfulness and Meta emotion in emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, 46(4), 4. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2008.11.013>

Ni, L. S., Wai Tong, C., & Kam Ki Stanley, L. (2025). Effects of an acceptance and commitment-based parenting program for parents of children with autism spectrum disorder on parenting stress and other parent and children health outcomes: A pilot randomized controlled trial. *Autism*, 29(6), 1524-1539. <https://doi.org/10.1177/13623613241311323>

Nunes, F., Mota, C.P., Ferreira, T. (2022). Schoon I, Matos PM. Parental meta-emotion, attachment to parents, and personal agency in adolescents. *Journal of Family Psychology*. 36(6): 964. <https://psycnet.apa.org/record/2022-20232-001>

Rahmanian, M., Rafieipoor, A. and Nameni, Z. (2025). The Effectiveness of Cognitive Acceptance and Commitment Therapy on Improving Family Functioning, Marital Life Satisfaction, and Rumination in Women with Obsessive-Compulsive Disorder. *Razavi International Journal of Medicine*, 13(1), -. doi: [10.30483/rijm.2024.254536.1334](https://doi.org/10.30483/rijm.2024.254536.1334)

Rashidi-Fard, H., Foulad-Vanda, S., Bahremand-Nia, N., Sadat-Vajedi, S. and Jalili-Moghadam, H. (2024). The Effect of Acceptance and Commitment Therapy on Sense of Guilt, Self-blame, and Depression in Mothers of Individuals with Autism Spectrum Disorders. *International Journal of Behavioral Sciences*, 18(2), 76-82. doi: [10.30491/ijbs.2024.440698.2076](https://doi.org/10.30491/ijbs.2024.440698.2076)

Yao, D., Chen, J., Cao, J., Lin, S., Yuan, S., Wang, M., & Zhang, Q. (2024). Application of the acceptance and commitment therapy in autism spectrum disorder and their caregivers: A scoping review. *Review Journal of Autism and Developmental Disorders*, 1-15. <https://doi.org/10.1007/s40489-024-00460-3>

Youssef-Morgan, C. M. (2024). Psychological capital and mental health: Twenty-five years of progress. *Organizational Dynamics*, 101081. <https://doi.org/10.1016/j.orgdyn.2024.101081>

Zoromba, M. A., Atta, M. H. R., Ali, A. S., El-Gazar, H. E., & Amin, S. M. (2024). The mediating role of psychological capital in the relationship between family sense of coherence and caregiver stress among parents of children with autism spectrum disorder. *International Journal of Mental Health Nursing*, 33(6), 2157-2169. <https://doi.org/10.1111/inm.13383>